



ابراهیمی دینانی: از هر زندانی می توان خارج شد الا زندان ذهن/فراز و فرود فکری چیست؟

ابراهیمی دینانی، چهره ماندگار فلسفه گفت: از هر زندانی می توان یک روز خارج شد جز زندان ذهن. انسانی وجود ندارد که گرفتار زندان ذهن نباشد البته امروز همه خودشان را آزاد فکر می دانند.

ابراهیمی دینانی، چهره ماندگار فلسفه گفت: از هر زندانی می توان یک روز خارج شد جز زندان ذهن. انسانی وجود ندارد که گرفتار زندان ذهن نباشد البته امروز همه خودشان را آزاد فکر می دانند. مراسم رونمایی کتاب فراز و فرود فکر فلسفی نوشته غلامحسین ابراهیمی دینانی عصر روز گذشته در اندیشه گاه فرهنگی سازمان اسناد و کتابخانه ملی برگزار شد.

دینانی در ابتدای سخنانش گفت: فکر فلسفی عبارت است از اندیشیدن درباره هستی. هستی بدیهی ترین چیز دنیا است. صدها تعریف برای فلسفه و نحله های مختلف فلسفی وجود دارد. در همه اینها یک سوال مطرح می شود و آن هم اینکه هستی چیست؟ هیچ کدام فلاسفه نمی توانند از فکر کردن و پاسخ دادن به این سوال فرار کنند. هرکدام از نحله های فلسفی هم با توجه به نظریات خود یک گونه به این سوال جواب داده اند. مثلاً پوزیتیویست ها هستی را یک

جور معنی می کنند و تجربه گراها جور دیگری هستی را معرفی می کنند. وی افزود: ما همه اشیا را می بینیم اما آیا دیدن را هم می بینیم؟ آیا دیدن محسوس است؟ همه چیز درک می شود اما خود ادراک چگونه درک می شود؟ کتاب فراز و فرود فکر فلسفی به اینگونه سوالات پاسخ داده است. فراز و فرود فکر یعنی از محسوس به معقول رفتن و از معقول به محسوس حرکت کردن، فکر دارای فراز و فرود و تحول است و تحول فکر هم هم از بالا به پایین هم از پایین به بالا و هم از مساوی به مساوی است.

چهره ماندگار فلسفه در پاسخ به سوال علی اوجبی مجری برنامه مبنی بر اینکه برخی عقیده دارند که دینانی فلسفه را با مطرح کردن به عوام تنزل داده توضیح داد: فلسفه به عوام آموختن کار بسیار سختی است اما اگر کسی پیدا شود که فلسفه را به عوام بیاموزد خیلی هنر کرده است. فلسفه متاع بازاری نیست و متاعی نیست که به فروش برسد، بازاری ها هم آن را نمی فهمند. علاوه بر این از فلسفه هیچ کاری بر نمی آید مثلاً فیزیک اتم می سازد، شیمی دارو می سازد، ولی فلسفه کاری نمی کند. حالا ممکن است برای شما این سوال به وجود بیاید که پس فلسفه به چه درد می خورد؟ جواب من این است که فلسفه آدم ها را احمق نمی کند. به قول سعدی: جز به خردمند مفرما عمل/ گرچه عمل کار خردمند نیست. منظور سعدی از خردمند در اینجا فیلسوف بوده است. فلسفه کمک می کند آدمی کمتر دچار حماقت شود. از دام حماقت بیرون آمدن کار آسانی نیست، به عنوان مثال ابوبکر بغدادی دچار حماقت است و بیرون آوردنش از حماقت کار بسیار سختی است.

ابراهیمی دینانی ادامه داد: از هر زندانی می توان یک روز خارج شد جز زندان ذهن. انسانی وجود ندارد که گرفتار زندان ذهن نباشد البته امروز همه خودشان را آزاد فکر می دانند ولی در واقع اینطور نیست و اغلب مردم حتی من که دارم در این باره سخنرانی می کنم ذهنشان در زندان گرفتار است. آدمها همه دوست دارند که به پولشان، مقام شان و زیبایی شان اضافه شود ولی وقتی از کسی می پرسی دوست داری که عقلت زیاد شود ناراحت می شود و می گوید نه، این همان زندان ذهن است.

نویسنده کتاب فراز و فرود فکر فلسفی در ادامه به تفاوت های میان برهان، موعظه و جدل پرداخت و گفت: جدل یعنی زور زدن برای اثبات خود و محکوم کردن همه آدمها این ویژگی را همه آدمها دارند. در جدل کاری به واقعیت نداریم و فقط می خواهیم طرف مقابل را محکوم کنیم. موعظه هم همان نصیحت کردن و آسان ترین چیزی است که آدمها برای یکدیگر استفاده می کنند. اما برهان استخدام مقدمات عملی است و طریق استدلال را یاد می دهد. بنده با جدل مخالفم چون در آن لجاجت وجود دارد، با موعظه مخالفتی ندارم ولی اینکه شخص موعظه کننده چه کسی باشد مهم است اما در میان همه اینها برهان از همه مهم تر است.

دینانی همچنین درخصوص استفاده از شعر در بسیاری از سخنرانی های خود تصریح کرد: اشعار حکمایی مثل سعدی و حافظ بسیار پربار است من اگر بخواهم در سخنرانی هایم تنها از برهان استفاده کنم شنونده ای نخواهم داشت بنابراین با استفاده از شعر سعی می کنم به خطابه های خود کمی چاشنی بدهم.

وی در پایان گفت: اندیشه حرکت دارد، همه ما اغلب حرکت را در امور فیزیکی و مادی می بینیم حرکت در زمان، مکان و ماده است، اندیشه هم مجرد است بنابراین حرکت در حکمت جوهری است. حرکت اندیشه مبنا می خواهد چراکه اگر مبنایی نداشته باشد نمی تواند حرکت کند. اندیشه یک امر بدیهی و مجرد است که پایگاه می خواهد، علم مطلق فکر نمی کند چهل مطلق هم فکر نمی کند فکر جایی است که از جهتی علم و از جهتی چهل وجود داشته باشد.